

گنجینه معارف (fa/Article/List/)

تحصیل و کسب علم در قرآن



(Image/Article/تحصیل و کسب علم در قرآن.jpg)

دانشجویی که در پی این علم است، به هر سخنی گوش و دل نمی سپارد و از هر منبعی علم نمی آموزد و چون جان خود را آماده پذیرایی از غذایی پاک می کند به تصفیه باطن می پردازد، برای آنکه نور علم در قلبی بتابد، باید آن قلب صیقل داده شود؛ پس مجاهده با نفس، مقدمه ضروری کار دانشجوی علم آخرت است.

31

تاریخ انتشار : ۱۳۹۷/۲/۲۳



بازدید : ۴۳۶۸۸

منبع : andisheqom.com

اهمیت علم و دانش

یکی از گرایش های فطری انسان حقیقت جویی است و یکی از توانائی های انسان قدرت شناخت واقعیات است. شناخت خود و جهان پیرامون یا به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی از ویژگی های انسان است. انسان با آگاهی از خویشتن، قادر می شود چیزهای دیگر را بشناسد و حتی خداشناس گردد. پیش از این، اهمیت خودشناسی را یادآور شدیم؛ اکنون تأکید می کنیم که خودشناسی مبدأ همه شناخت های ماست و کسی که خود را بشناسد: اولاً ضرورت شناخت های دیگر بر او آشکار می شود، زیرا به غایت وجودی خود پی می برد و به ضعف و کاستی بالفعل خویش آگاه می گردد و ضرورت شناخت مسیر و شیوه حرکت به سوی مقصد را در می یابد و ثانیاً شناخت های دیگر برای او ممکن می گردد. امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرموده اند: **کیف يعرف غیره من یجهل نفسه**؛ [۱] کسی که به خویشتن جاهل است چگونه غیر خود را می شناسد.

بنابراین اهمیت و امکان تحصیل علم و شناخت، از طریق خودشناسی بر ما آشکار می گردد و وقتی علم برای رسیدن به کمال و غایت وجودی انسان ضرورت و اهمیت داشته باشد، پرورش قوه درک حقایق نیز اهمیت خواهد داشت. قوه عاقله انسان هر چه در درک حقایق توانا تر باشد، مقصد و مسیر و موانع حرکت به سوی مقصد را بهتر می شناسد و امکان رسیدن به کمال را بیشتر فراهم می کند. و بالعکس، اگر قوه شناخت انسان کارآیی خود را از دست دهد، حرکت در مسیر کمال ناممکن می شود و گمراهی و هلاکت را در پی می آورد.

این مطالب هم از طریق خودشناسی فهمیده می شود و هم کتاب و سنت آن را تأیید می کند. در قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام - در فضیلت علم و علم آموزی سخنان زیبایی وجود دارد که در اینجا برخی از آنها را ذکر می کنیم: **شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛** [۲] خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز (شهادت می دهند). رسیدن به مرتبه درک توحید پروردگار و شهادت به آن، برای صاحبان علم امکان پذیر است و این در فضیلت و ضرورت علم به تنهایی کافی است. چون علم چنین ثمره دلپذیری دارد خداوند فرموده است:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ [۳] خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می فرماید. خداوند در مواضع فراوانی برتری عالم را نمایان ساخته است و در آیاتی به این برتری تصریح نموده است: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛** [۴] بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ قرآن به علم آموزی تشویق و بلکه امر می کند: **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛** [۵] پس اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید. از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت شده است که: خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف نگر در دین می سازد؛ [۶] همچنین از ایشان نقل شده است: عالم هفتاد درجه از عابد برتر است. [۷]

اهمیت دانش آموزی

علم چنان نقش ارزنده ای در حیات الهی انسان دارد که علم آموزی به فرموده پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فریضه است: **طلب العلم فریضة علی کل مسلم**؛ [۸] علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است.

و نیز فرموده اند: کسی که دوست دارد به آزادشدگان از آتش نگاه کند، باید به دانش آموزان نظر نماید. قسم به کسی که جانم به دست اوست هیچ دانشجویی که در مسیر علم رفت و آمد می کند نیست مگر آنکه خداوند برای هر قدمش عبادت یکسال را می نویسد و برایش با هر قدمی که بر می دارد شهری در بهشت می سازد و در حالی که بر زمین گام می زند زمین برایش آمرزش می طلبد و او در حالی که بخشوده است صبح و شام می کند و فرشتگان گواهی می دهند که دانش طلبان، آزاد شدگان خدا از آتشند. [۹] پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در روایت دیگری فرموده اند: کسی که راه علم آموزی را می پوید خداوند او را در راهی به سوی بهشت پیش می برد. [۱۰] اهمیت علم و علم آموزی چنان که گفته شد از آن روست که معارف لازم برای سعادت از طریق علم آموزی و بکارگیری قوه تفکر و اندیشه به دست می آید. معارف سعادت بخش اعم از معرفت خداوند و شناخت راه رسیدن به اوست.

هر حرکتی که انسان انجام می دهد و هر گامی که بر می دارد فقط در پرتو نور علم می تواند در راه صحیح و به سوی خداوند باشد. امام علی - علیه السلام - خطاب به کمیل فرمودند: ای کمیل! هیچ حرکتی نیست جز آنکه تو در آن نیازمند دانشی هستی. [۱۱] دانش عمل را سودمند می سازد. زیرا

عمل بدون آگاهی انسان را به هدف نمی رساند، حتی اگر صورت ظاهری عمل درست باشد. آگاهی، روح عمل است؛ چرا که عمل با نیت جان می گیرد و عمل بدون آگاهی کاری بدون نیت و یا با نیت نادرست است. امام صادق - علیه السلام - می فرمایند: چون شناخت آنچه از خیرخواهی انجام ده - خواه اندک یا بسیار - زیرا عمل (همراه با شناخت) پذیرفته می شود. [۱۲]

عقل و اندیشه

علم ارزش والایی دارد و رستگاری انسان به آن وابسته است؛ ولی علم خود متکی به عقل است. علم محصول تعقل و اندیشه است. کسی که از قوه عاقله خود که هدیه الهی است بهره نمی برد و شناخت او همراه بصیرت و سنجش نیست، عالم نیست؛ زیرا علم یعنی شناخت آنچه هست آن گونه که هست. بنابراین چون انسان خیر و کمال بودن خیرات و کمالات حقیقی را فقط به کمک عقل در می یابد، کسی که تعقل نمی کند فاقد علم است و آثار و برکات علم به او نمی رسد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: **انما یدرک الخیر کله بالعقل**؛ [۱۳] همه نیکی ها به وسیله عقل درک می شوند. بنابراین علم باید با تعقل همراه باشد. امام علی - علیه السلام - از همین رو مردم را به درایت و اندیشیدن دعوت می کنند: **«علیکم بالدرایات لا بالروایات»** [۱۴] و نیز می فرمایند: **«فقد البصر اھون من فقد البصیرة»** [۱۵] علم ثمره عقل است. امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمودند: **«العقل مرکب العلم»** [۱۶] زیرا علم بدون عقل پیشرفت و حرکتی ندارد.

از امام صادق - علیه السلام - نیز روایت شده است: پشتوانه انسان عقل است، و هوشمندی و دانایی و حافظه و دانش از عقل است. و چون عقل انسان او را پشتیبانی کند عالم، حافظ، زیرک، هوشمند و دانا می شود. و انسان به وسیله عقل کمال می یابد و عقل راهنمای او و بیناکننده او و کلیدکار اوست. [۱۷] عقل و اندیشه چنان اهمیت دارند که بدون آن نمی توان از آیات خداوند بهره ای برد: **«وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»** [۱۸] شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخر شده اند. مسلماً در این امور برای مردمی که تعقل می کنند نشانه هاست. کسی که از قوه عقل خویش استفاده می کند و به وسیله آن به تفکر می پردازد، از تلاش خود بهره بسیار می برد و کار او از عابدی که بدون اندیشیدن عبادت می کند بسیار پر ثمرتر است: یک ساعت اندیشیدن از عبادت یکسال بهتر است. [۱۹] زیرا تفکر باعث بینایی است **«من تفکر ابصر»** [۲۰]، و کسی که حقایق عالم را می بیند، راه و مقصد خویش را می یابد و به سوی مقصد هدایت می شود.

آثار تعقل و تفکر

درباره آثار تعقل و تفکر آیات و روایات بسیاری وجود دارد. چنان که قبلاً اشاره کردیم، تعقل منشأ بهره گیری از آیات الهی است. کسی که درباره پدیده های پیرامون خود می اندیشد به سرچشمه هستی پی می برد: **«وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»** [۲۱] و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است به سود شما رام کردیم، همه از اوست قطعاً در این (امر) برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است.

کسی که تعقل نمی کند، از مبدأ هستی غافل می شود و به عبادت غیر خدا مبتلا می شود: **«أَف لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»** [۲۲] اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید. مگر نمی اندیشید؟ غفلت از آخرت و حیات جاوید و محدود شدن در دنیا و جلوه های آن، از ترک تعقل ناشی می شود: **«وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَ فَلَا تَعْقِلُونَ»** [۲۳] و هر آنچه به شما داده شده است، کلاهی زندگی دنیا و زیور آن است و آنچه پیش خداست بهتر و ماندگارتر است، مگر نمی اندیشید؟

ترک اندیشه علاوه بر بی بهره گی از آیات الهی، باعث غفلت از پروردگار و فراموشی آخرت جاوید و موجب لغزش های عملی و جدا شدن از صراط مستقیم هدایت و رستگاری است: **وَلَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ**؛ [۲۴] و شیطان گروهی انبوه از شما را گمراه کرد آیا اندیشه نمی کردید؟ عقل مایه حیات انسانی است. امیرالمؤمنین - علیه السلام - می فرمایند: **«فقد العقل فقد الحياة و لا يقاس الا بالاموات»** [۲۵] و نیز فرموده اند: انسان ترکیبی از عقل و صورت است، پس کسی که عقل از او روی گرداند و صورت با او بماند کامل نیست و همچون جسمی بدون روح است. [۲۶]

عقل مایه حیات و موجب کمال است و بدون آن غایت انسان تحقق نمی یابد. عقل و اندیشه راهبر انسان به سوی کمال هستند و ثمره عقل، حرکت اندام ها در جهت صحیح و مسیر هدایت است. امام علی - علیه السلام - می فرمایند: عقل ها راهبران اندیشه ها، و اندیشه ها راهبران قلب ها، و قلب ها راهبران حواس و حواس راهبران اندام هستند. [۲۷] کسی که از عقل بهره کافی برد همواره همراه حق است [۲۸] و در راه حق پایداری می کند [۲۹] و در پایداری خویش نیتی صادق دارد. عقل سرچشمه همه خیرات است، چرا که ریشه علم را عقل سیراب می کند. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: **«و من العقل الفطنة و الفهم و الحفظ و العلم»** [۳۰] و امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمودند: **«العلم اصل كل خير»** [۳۱] اگر عقل اندیشه را راهبری کند، اندیشه میوه های گوارا می دهد. در روایات برای تفکر چنین نتایجی شمرده شده است: بصیرت، پندآموزی، شناخت اعمال نیک و بد خود، هدایت، آبادی آخرت، شناخت خوبی ها و عمل به آن، جلوگیری از فساد امور، درست کاری، کامیابی و نورانیت دل. [۳۲] از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - روایت شده است: به یقین انسان به سبب خلق نیکو به درجه صائم قائم می رسد و خلق نیکوی انسان کامل نمی شود تا آنکه عقل او کامل گردد، سپس ایمان او کامل می شود و پروردگارش را پیروی می کند و از دشمنش ابلیس سرپیچی می کند. [۳۳]

آثار علم

از آنجا که علم ریشه در تعقل و تفکر دارد و علم حقیقی از عقل و اندیشه بر می آید، بسیاری از آثاری که برای علم در قرآن و روایات بیان شده است، در حقیقت نتایج مشترک عقل و علم است. در این بخش برخی از آثار علم را یادآور می شویم. درباره آثار علم تاکنون مطالبی را آورده ایم که برای اثبات ارزش مثبت اخلاقی علم آموزی به عنوان عملی اختیاری، کافی است. همین که علم مقصد و مسیر حرکت کمالی انسان را نشان می دهد، کافی است تا تعلم برای انسان فریضه ای قلمداد گردد که بدون آن نمی توان به قرب الهی دست یافت.

در عین حال، آثار علم بسیار متنوع است و استفاده از آیات و روایات در شناخت این آثار سودمند است. چنان که با استفاده از آیه یازدهم سوره مجادله یادآور شدیم، علم موجب بلندی مرتبه انسان است و ارزش وجودی او را افزایش می دهد. امام صادق - علیه السلام - نیز فرمودند: **اکثر الناس قيمة اکثرهم علماً** [۳۴]. علم موجب نزدیکی به خداست. از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل شده است: چون روزی آید که در آن علمی که مرا به خداوند نزدیک کند بر من افزوده نشود مرا در طلوع خورشید آن روز مبارکی نیست. [۳۵] انسان از طریق اطاعت و عبادت خداوند به او نزدیک می شود و علم، موجب اطاعت و عبادت بنده است.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: **«أما علمت ان الله يطاع بالعلم و يعبد بالعلم»**. [۳۶] اطاعت و عبادت، وقتی به نیت صادق و به شکل صحیح انجام می گیرد که دل بنده در برابر خداوند نرم شده باشد و قلب او آماده عمل و عبادت خالصانه باشد: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**؛ [۳۷] از بندگان خدا تنها دانایان از او می ترسند. علم، دنیا و آخرت انسان را نیکو می

کند و جهل دنیا و آخرت را خراب می کند [۳۸] علم دنیا را نیکو می سازد، زیرا نقش دنیا را در حیات حقیقی انسان و زندگی جاوید او معلوم می سازد و قدرت انسان را در عملی ساختن نیت افزایش می دهد. امام علی - علیه السلام - فرمودند: علم آموزید... زیرا علم... توانایی بدن است. [۳۹]

علم، آخرت را آباد می کند، زیرا دین را کامل می سازد. امیرالمؤمنین - علیه السلام - می فرمایند: ای مردم بدانید کمال دین آموختن دانش و عمل به آن است. [۴۰] و چون کسی دینش کامل و عملش مطابق دین کامل باشد، آنگاه آخرتی آسان، آسوده از عذاب و همراه با کامیابی در بهشت خواهد داشت: امام علی - علیه السلام - می فرمایند: **العلم يقوى الرجل على المرور على الصراط**؛ [۴۱] علم انسان را بر گذر از صراط توانا می سازد. آیات و روایات، آثار بی شمار و مبارکی برای علم بیان داشته اند که ارزش و سودمندی هر کدام کافی است تا تأثیر آن در تحقق سعادت انسان آشکار شود، و ارزش اخلاقی آموختن علم معلوم گردد.

قبلاً گفتیم که عقل و اندیشه، ریشه علم است. اکنون تأثیر علم بر عقل را یادآور می شویم. عقل قوه ای در انسان و بصیرتی در جان او است که ارزش هر چیز را در رابطه با هدف غایی انسان محاسبه می کند و انسان را در راه راست و به سوی مقصد حقیقی به حرکت می آورد. هرگاه کسی در رتبه ای از مراتب عقل باشد و به ندای عقل خویش پاسخ مثبت دهد و به تفکر و تعلم بپردازد، علم او در ترفیع رتبه عقل و توانایی خرد او مؤثر خواهد بود؛ زیرا با وجود علم، عقل فضای بازتری برای اندیشه خواهد داشت و بر افزایش علم خود توانا تر خواهد گشت. این تأثیر علم، چیزی است که بالندگی و زاینده گی عقل و دانش انسان را موجب می شود. خداوند در سوره «عنکبوت» کسانی را که غیر خدا را دوست خود می گیرند به عنکبوت تشبیه فرموده است که «خانه اش سست ترین خانه هاست»، آنگاه می فرماید: **وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ**؛ [۴۲] و این مثل ها را برای مردم می زنیم ولی جز دانشوران آنها را در نیابند.

آثار جهل و بی خردی

همانگونه که عقل، اندیشه و دانش، آثاری مبارک برای انسان دارند و تعلم، عملی با ارزش مثبت اخلاقی است، جهل و بی خردی خساراتی جبران ناپذیر دارد و پرهیز از بی خردی و نادانی به لحاظ اخلاقی واجب است. قرآن کریم از زبان کافران نقل می کند که آنان چون جهنم را می بینند و جوش و خروش آتش جهنم را می نگرند با خود می گویند:

وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ [۴۳] گویند: اگر شنیده بودیم یا تعقل کرده بودیم در میان دوزخیان نبودیم. جهل و بی خردی، انسان را به نافرمانی خدا می کشاند و از همین جاست که راه را به سوی عذاب اخروی و محرومیت از قرب خداوند باز می کند. کسانی که تعقل نمی کنند به جنگ خدا می روند و به خداوند افتراء می زنند: **وَ لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ**؛ [۴۴] بی خردان عبادت خدا را به سخره می گیرند و از حرکت به سوی پروردگار باز می مانند: **وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَ لَعِبًا ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ**؛ [۴۵] در روایات اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - برای جهل آثار زیان باری بیان شده است: جهل دشمن انسان و مایه همه بدی هاست، دردناک ترین دردهاست و از خوره بدتر است، باعث لغزش، کفر و گمراهی است، و جاهل، به افراط و تفریط مبتلاست. [۴۶] جاهل با خدا گستاخی می کند: **لا يجترئ على الله الا جاهل شقى**؛ [۴۷] کسی جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نمی کند.

عوامل رکود عقل و اندیشه

در موانع معرفت، عواملی هستند که بر شناخت انسان نسبت به خداوند تأثیر منفی دارند همچون: پیروی از هوای نفس، محبت دنیا، سطحی نگری، عادات ذهنی، تقلید از پدران و رذایل نفسانی. این عوامل همگی در عین حال باعث رکود اندیشه و تعقل انسان هستند. اگر به معنای عقل در آیات و روایات توجه کنیم، در می یابیم که عقل قوه ای است که قدرت جامع نگری نسبت به دنیا و آخرت را به انسان می دهد و او را قادر می سازد مصالح خویش را در مقیاس حیات مستمر دنیا و آخرت ارزیابی نماید، و مطابق مصالح واقعی خود عمل کند. از همین روست که روایت شده است: از امام صادق - علیه السلام - پرسیده شد: عقل چیست؟ ایشان فرمودند: **مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ** [۴۸] عقل چیزی است به وسیله آن خداوند رحمان پرستش می شود و بهشت به سبب آن به دست می آید. تاکنون آنچه درباره اهمیت عقل و آثار آن گفته شد، همه درباره عقل به معنای مذکور در روایت فوق بود، ولی باید توجه کرد که عقل معانی متعددی دارد. درباره این معانی متعدد، دانشمندان مسلمان بسیار سخن گفته اند؛ اینک به اختصار معانی عقل را اینگونه بیان می کنیم:

۱. عقل هیولانی. مقصود از عقل هیولانی، قوه ای طبیعی در نفس انسان است که قادر به تعقل علوم بدیهی و نظری است، ولی هیچیک از علوم را تعقل نکرده است.

۲. عقل بالملکه. عقلی را می گویند که علوم بدیهی اعم از تصور و تصدیق را در خود پذیرفته است.

۳. عقل بالفعل. عقل در این مرتبه، علوم نظری را به وسیله حواس و با کمک علوم بدیهی استنتاج کرده است.

۴. عقل مستفاد. عقل در این رتبه همه علوم بدیهی و نظری را تعقل نموده و قادر به احضار همه آنهاست، و چون عالم علمی ای شده است که شبیه عالم عینی است. عقلی که می تواند به محاسبه سود و زیان دنیا بپردازد و مصلحت و مفسده مادی امور را بسنجد، از حدّ عقل بالفعل تجاوز نکرده است و عقلی که جامع نگر است همان عقل مستفاد است. همه کسانی که به رتبه عقل مستفاد رسیده اند و همه آنهايي که از سرچشمه عقل مستفاد بهره می گیرند، عاقل هستند؛ زیرا عمل آنان به مصلحت حیات مستمر دنیا و آخرتشان صورت می پذیرد.

دین که از سرچشمه علم مطلق بر جان انسان جاری می شود، در بردارنده مصالح و مفاسد انسان در مقیاس دنیا و آخرت است. هر کس از عقل غریزی خود با چنان بصیرتی بهره گیرد که به معرفت خدا و التزام به دین الهی نایل شود، واجد عقلی است که به وسیله آن خداوند پرستش می شود و بهشت به دست می آید. درباره عوامل شکوفایی و رکود عقل به معنای عقل حساب گر - یعنی عقلی که در مرتبه عقل بالفعل است - روانشناسان تحقیقات بسیاری کرده اند. حاصل تحقیقات آنان در قلمرو تعلیم و تربیت، قابل بررسی و بهره برداری است. آنچه در محدوده اخلاق باید مورد توجه قرار گیرد همان عواملی است که عالمان اخلاق الهی مطرح کرده اند.

نور علم

علمی که صلاح آخرت در هر عصری وابسته به آن است، علم آخرت است. حقایق این علم ازلی و تغییر ناپذیرند. زمانی می توان گفت کسی این علم را آموخته است که آثار علمی آن مشاهده شود. بسیار دیده می شود که کسانی با اصطلاحات علوم معنوی و آخرتی آشنايند، ولی آثار آن علوم در آنها دیده نمی شود. بهترین دلیل بر اینکه چنین افرادی وجود دارند، روایاتی است که عالمان سوء را معرفی می کنند و آنان را وعده عذاب و آتش می دهد. از این روایات می توان فهمید که اطلاق عنوان عالم به این افراد، مجازی است؛ زیرا در روایات دیگری آثار علم نجات و رستگاری معرفی شده است.

اگر اثر علم رستگاری و حسن آخرت باشد، کسی که عالم است نمی تواند جهنمی و بدعاقبت باشد. پس اگر به کسی که آخرت سوء دارد، عالم گفته می شود، از سر مجاز است. همین مقدار کافی است تا بپذیریم علم، همین اصطلاحات و مفاهیم نیست، بلکه حقیقتی است که با مذاکرات علمی به دست نمی آید. مذاکرات علمی و تعلّم، فقط زمینه را برای دریافت آن حقیقت آماده می سازد، ولی علم نوری است که خداوند به قلوب مؤمنان خالص هدیه می کند. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: **لیس العلم بالتعلم و انما هو نور یقع فی قلب من یرید الله تبارک و تعالی ان یردیه** ؛ [۴۹] علم به زیادی دانش آموختن نیست، بلکه نوری است که خداوند در قلب آنکه هدایتش را اراده فرموده وارد می کند. این دیدگاه که علم به افاضه پروردگار تحقق می یابد، نقشی کلیدی در اخلاق آموزشی دارد.

وظایف طالب علم

دانشجویی که در پی این علم است، به هر سخنی گوش و دل نمی سپارد و از هر منبعی علم نمی آموزد و چون جان خود را آماده پذیرایی از غذایی پاک می کند به تصفیه باطن می پردازد، برای آنکه نور علم در قلبی بتابد، باید آن قلب صیقل داده شود؛ پس مجاهده با نفس، مقدمه ضروری کار دانشجوی علم آخرت است.

از امام باقر - علیه السلام - روایت شده است که درباره این آیه قرآن: **«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»** فرمودند: یعنی علمه الذی یأخذ ممن یأخذه؛ [۵۰] مقصود از طعام علم است که باید انسان ببیند از کجا دریافت می کند. اهمیت منبع و منشأ علم بسیار زیاد است، زیرا هدف از علم آموزی، کمال نفس است و کمال نفس فقط با علم حقیقی مطابق با واقع محقق می شود.

پس اتکا به منابع نامطمئن، علم نافع را به بار نمی آورد: کسی که به گوینده ای گوش می سپارد او را بندگی کرده است؛ پس اگر گوینده از خدا بگوید، شنونده خدا را بندگی کرده و اگر از زبان شیطان سخن بگوید، شنونده شیطان را بندگی نموده است. [۵۱] متعلم راه رستگاری، علم را از خداوند می خواهد: **«قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»** [۵۲] و علم را برای رشد و تعالی می جوید نه برای اغراض نفسانی و دنیایی: **«هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا»** [۵۳] با توجه به دو نکته فوق، روش صحیح دانشجویی این است که در انتخاب مدرسه و استاد نهایت دقت صورت گیرد و پس از آن، از خداوند درخواست علم حقیقی شود و از او نجات از گمراهی طلب شود؛ خداوند به تو پناه می برم از اینکه گمراه شوم یا گمراه کنم، ستم کنم و یا ستم دیده شوم. [۵۴]

این استعاضه ها ضروری است، زیرا راهزنان مسیر دانش آموزی بسیارند. جایگاه علم و عالمان در جامعه به صورت طبیعی برای عالم موقعیتی فراهم می کند. توجه مردم به عالم و منافع مادی قابل تحصیل برای عالم، خلوص نیت او را تهدید می کند و نیز خلوص نیت کسی را که آرزوی عالم شدن دارد. از امام باقر - علیه السلام - روایت شده است: کسی که دانش طلبد تا با آن در برابر عالمان فخر کند و یا با کم خردان درآویزد و یا مردم را به خود متوجه سازد، پس جایگاه او آتش است. [۵۵] از امام صادق - علیه السلام - روایت شده است: کسی که خواهان حدیث باشد برای سود دنیا در آخرت بهره ای ندارد و کسی که از حدیث خیر آخرت را بجوید، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا می کند. [۵۶]

سخنانی از این قبیل، هشدار به طالبان علم است تا مبدا نیت خود را به اغراض دنیایی آلوده سازند؛ زیرا کاربرد علم آخرت در اصلاح آخرت است و صلاح آخرت جز به خلوص نیت محقق نمی شود. احادیثی که نیت دنیایی را نکوهش می کنند همه درباره علم آخرت هستند، ولی درباره علوم و صنایع دنیایی نیز اگر کسی بخواهد تحصیل آنها برای سلوک معنوی او سودمند باشد، باید نیت

خود را خالص سازد و علم را برای بکارگیری آن در مصلحت مسلمین و نیکی به آنان بیاموزد، و شناخت بیشتر طبیعت و قوانین آن را به عنوان شناخت آیات الهی و رهبری شدن به سوی او اراده کند. روایاتی که به اخلاص دعوت می کند، در عین حال راهنمایی برای انتخاب استاد است.

طالب علم اگر استادی را خواهان دنیا یافت، نباید او را برگزیند، زیرا تأثیر استاد بر دانشجو بسیار است؛ چنان که گویی دانشجویانی که گوش به استادی می سپارند او را بندگی کرده اند. از امام صادق - علیه السلام - درباره عالم دوستدار دنیا به احتیاط سفارش شده است. ایشان فرموده اند: **إذا رأيتم العالم محباً للدنیا فاتهموه علی دینکم، فان کل محب لشیء یحوط ما احب**؛ [۵۷] چون عالم را دوستدار دنیا یافتید او را بر دین خود متهم سازید زیرا دوستدار هر چیز آن را نگاه می دارد. طالب علم پس از آنکه درون خود را از نیات دنیایی تصفیه کرد، از خداوند درخواست علم نمود، استاد مناسب اختیار کرد و از خطر گمراهی استعاضه نمود، در روابط خود با استاد باید به نکات زیر توجه کند:

۱. در بهره گیری از دانش استاد دو اصل را به طور همزمان رعایت کند:

الف. همیشه درستی رأی استاد را محتمل تر از درستی رأی خود بداند، زیرا استاد از علم و تجربه بیشتری بهره دارد. پس به استاد خود اعتماد کند.

ب. درباره درستی سخن استاد اندیشه کند و در ارزیابی آن عقل خود را میزان قرار دهد. به عبارت دیگر تحصیل را به شیوه ای محققانه انجام دهد و صرف گفتار استاد را بدون سنجش عقلی، دلیل بر درستی سخن نپندارد. برای محصل ابتدایی، سلوک راه تحقیق دشوار است، پس باید از شتاب در اظهار رأی بپرهیزد و پرسش ها و نقدهای خود را برای رسیدن به حق، با استاد در میان گذارد. از امام صادق - علیه السلام - روایت شده است: بر علم قفلی است که کلید آن پرسش است. [۵۸]

۲. در برابر استاد فروتنی کند. استادی که انسان را به معارف سودمند برای کمال آشنا می کند، مقدمات نجات او را فراهم می کند و حقی بزرگ بر او دارد. از امام صادق - علیه السلام - روایت شده است: **تواضعوا لمن طلبتم من العلم؛** [۵۹] در برابر کسی که از او علم می آموزید فروتنی کنید.

۳. در جلب رضایت او کوشا باشد. معلم از شاگردان خود دو چیز می خواهد: نخست آنکه رعایت ادب کنند و دیگر آنکه در یادگیری آنچه استاد می گوید کوشا باشند. دانش پژوهی که خواستار رضایت استاد است باید از این دو فروگذار نکند.

پی نوشت ها:

[۱] شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۶۵.

[۲] آل عمران، ۱۸.

[۳] مجادله، ۱۱.

[۴] زمر، ۹.

[۵] نحل، ۴۳.

[۶] المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۷.

[۷] همان، ص ۱۸.

[۸] همان.

[۹] همان.

[١٠] اصول كافى، ج ١، كتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم.

[١١] الحياة، ج ٨، ص ٣٥.

[١٢] همان، ص ٣٨.

[١٣] همان، ص ٤٣.

[١٤] همان، ص ٣٥.

[١٥] همان

[١٦] الحياة، ج ١، ص ٤٣.

[١٧] همان، ص ٤٦.

[١٨] نحل، ١٢.

[١٩] الحياة، ج ١، ص ٤٨.

[٢٠] همان

[٢١] جاثيه، ١٣.

[٢٢] انبياء، ٦٧.

[٢٣] قصص، ٦٥.

[٢٤] يس، ٦٢.

[٢٥] الحياة، ج ١، ص ٤٤.

[٢٦] همان،

[٢٧] همان،

[٢٨] همان، ص ٤٦

[٢٩] همان،

[٣٠] همان، ص ٤٦.

[٣١] همان، ص ٣٦.

[٣٢] ر.ك: الحياة، ج ١، ص ٤٨-٤٩.

[٣٣] المحجة البيضاء، ج ١، ص ١٧١.

[٣٤] الحياة، ج ١، ص ٣٧.

[٣٥] المحجة البيضاء، ج ١، ص ١٦.

[٣٦] الحياة، ج ١، ص ٣٥.

[٣٧] فاطر، ٢٨.

[٣٨] الحياة. ج ١، ص ٣٥.

[٣٩] الحياة، ج ١، ص ٤١-٤٥.

- [۴۰] المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۲۵.
- [۴۱] همان، ص ۲۶.
- [۴۲] عنكبوت، ۴۳.
- [۴۳] ملک، ۱۰.
- [۴۴] مائده، ۱۰۳.
- [۴۵] مائده، ۵۸.
- [۴۶] ر.ک: الحياة، ج ۱، ص ۵۲-۵۳.
- [۴۷] نهج البلاغه، الكتاب ۵۳.
- [۴۸] المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۸۰.
- [۴۹] بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.
- [۵۰] همان، ج ۲، ص ۹۶.
- [۵۱] اصول کافی، ج ۶، باب الغناء، حدیث ۲۴.
- [۵۲] طه، ۱۱۴.
- [۵۳] كهف، ۶۶.
- [۵۴] من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۷، حدیث ۹۲۸.
- [۵۵] اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب المستأكل بعلمه و المباهی به.
- [۵۶] همان
- [۵۷] همان
- [۵۸] همان، باب سؤال العالم و تذكاره، حدیث ۳.
- [۵۹] همان، باب صفة العلماء، حدیث ۱.

کلمات کلیدی:

- دانشجو (fa/Article/List/?keyword=۶۱۶۷/)
- مجاهده (fa/Article/List/?keyword=۸۱۶۷۱/)
- تحصیل (fa/Article/List/?keyword=۴۲۶۷۵/)
- کسب علم در قرآن (fa/Article/List/?keyword=۳۱۳۴۷۸/)
- تحصیل علم دینی (fa/Article/List/?keyword=۹۴۴۲۹/)